بازرسی شد
۲۷ - ۳۶

۷۶۷۶ ـ ن

کتابخانه مجلس شورای ملی

کتاب اصول تمدن

مؤلف میرزا ملکم خان

شماره ثبت کتاب
۷۷۹۹۳
۹۶۹۴

بازدید شد
۱۳۸۲

۳۵۹۶

خطی ـ فهرست شده
۳۰۹۵

(اصول تمدن)

آبادی یک ملک بسته بمبلغ امتعه ایست که در آن ملک بعمل می آورند

آهن و گندم و ذغال و الماس جزو امتعه هستند)

اجناس امتعه در عالم تجارت از همدیگر فرق ندارند فرق در مبلغ امتعه است میتوان گفت آن ملکی که معادن طلا دارد یا آن ملک که ابریشم بعمل می آورد غنی تر از آن ملکی است که گندم یا تنباکو بعمل می آورد)

هر ملکی که بیشتر متاع بعمل آورد خواه طلا خواه گندم غنی تر از دیگران است)

این فقره را اهل ایران هنوز نفهمیده اند)

از برای تحقیق آبادی یک ملک لازم نیست بدانیم در آن ملک چه نوع امتعه هست باید پرسید در آن ملک چه قدر امتعه بعمل می آورند)

یک ملک از معادن خود سالی صد کرور تومان طلا حاصل میکند)

یک ملک دیگر سالی دویست کرور تومان گندم بخارج می فروشد بدیهی است که این ملک آخری بمراتب غنی تر از ملک اول خواهد بود)

شاید یک معدن الماس داریم که سالی پنجاه هزار تومان اجاره میکنند و فرضا یک معدن ذغال سنگ داریم که سالی هشتاد هزار تومان اجاره میکنند پس معدن ذغال ما بهتر از معدن الماس ما است)

از این مطالب متفرقه هیچ معنی مفهوم نخواهد شد مگر اینکه تمام فقرات این کتابچه را بدقت کامل تا آخر مطالعه فرمایند)

درجه ثروت یک ملک در مقدار امتعه آن ملک است در ملک هر قدر بیشتر متاع بعمل بیاورند آسایش و قدرت خلق آن ملک بیشتر خواهد بود)

خلق روس از خلق افغانستان خیلی غنی تر هستند زیرا که در روس خیلی بیشتر از افغانستان متاع بعمل می آورند)

هرگاه در ولایت مازندران دهقانی بیشتر از امروز بشود باید ترقی بکند

که محصولات آن دهقانی بیشتر از امروز بشود دولت روس صحرای ترکمن را چطور آباد خواهد کرد ترتیبی خواهد نمود که امتعه آن صحرا روز بروز زیادتر بشود)

چرا اهل بلوچستان فقیر هستند) ؟

زیرا که متاع کم بعمل می آورند)

چرا دولت انگلیس غنی تر از سایر دول است) ؟

بجهة اینکه بیشتر از سایر دول امتعه بعمل می آورند)

آبادی و قدرت یک دولت بسته بمقدار امتعه آن دولت است اگر در ایران بقدر انگلیس متاع بعمل بیاورند دولت ایران بقدر انگلیس قوی خواهد شد اگر مبلغ امتعه فرانسه بقدر امتعه عثمانی تنزل بکند دولت فرانسه هم بقدر دولت عثمانی تنزل خواهد کرد)

بجهة آبادی یک ملک بجز تکثیر امتعه آن ملک راه دیگر نیست بعضی اوقات علی الخصوص در ایام سابق بعضی طوایف از برای تحصیل مال بقانون جنگ یا بطور دزدی همدیگر را می چاپیدند چنانکه نادر شاه هندوستان را و روس

فرانسه را بقانون جنگ چاپیدند ترکمن بقانون دزدی خراسان را غارت میکرد این قسم تحصیل مال رفته رفته در دنیا کم میشود بجهت اینکه منفعت موقتی هیچ فایده ندارد)

راه تمول یک ملت منحصر باین است که زیاد کار بکنند زیاد امتعه بعمل بیاورند و زیاد داد و ستد نمایند)

اولیای دول آسیا از معانی این اصول ساده با فایده غافل هستند)

در ممالک فرنگستان بر هر یک از این اصول ساده اقلا پانصد جلد کتاب نوشته اند معانی این اصول را خیلی خوب میتوان بیان کرد)

اما حالا بیان این اصول را مدرسه میگویند)

آنچه عقلای فرنگستان بعد از بیست سال درس و بحث هزار زحمت تحصیل میکنند اولیای آسیا توقع دارند بدون زحمت در چند دقیقه صحبت بتفنن یاد بگیرند)

در عهد شاه طهماسب اداره امور دولت بر حسب طبیعی بود اداره

دول فرنگستان همه علوم است

در اداره دول فرنگستان هیچ نکته نیست که چندین هزار درس و تصنیف
نوشته باشند

موافق علوم فرنگستان

آبادی ملک یعنی کثرت امتعه

ترقی و قدرت دولت یعنی کثرت امتعه

این مطلب را هزار مرتبه باید تکرار نمود

زیرا که چندین هزار سال است که این حقیقت بزرگ از دایره عقل آسیا خارج
مانده است

چه باید کرد که امتعه یک ملک زیاد بشود ؟

این حرف جامع جمیع مسائل آبادی دنیا است

علوم و تدابیر و اختراعات فرنگستان کلیة راجع باین مسئله اصلی است

دول فرنگستان در جهان هیچ مقصود و هیچ ماموریتی ندارند بجز اینکه بهر نوع که

و بهر

و بهر قسم اجتهاد امتعهٔ ممالک خود را زیاد نمایند

بعضی از شرایط تکثیر امتعه در این کتابچه ذکر شد

تکثیر امتعه و تجارت لازم و ملزوم همدیگر هستند اگر کسی زیاد تریاک بعمل بیاورد
و نتواند بفروشد از گرسنگی خواهد مُرد

از برای اینکه اهل اصفهان زیاد تنباکو بکارند باید بتوانند زیادی تنباکوی خود را
با امتعهٔ دیگر معاوضه نمایند

تکثیر امتعه بدون کثرت داد و ستد باعث خیلی تنگی و اغلب مضرات است

تجارت اولین محرک تکثیر امتعه است

معنی تجارت در زبان علمی فرنگستان خیلی وسعت پیدا کرده مقصود از لفظ
تجارت فقط حمل و نقل و فروش امتعه نیست

زراعت و معادن و صنایع و طب و نقاشی و هر چیز و هر علم که از آن
پول حاصل میشود جزو عوالم تجارت میدانند وقتی میگویند فلان ملک زیاد تجارت
دارد یعنی آن ملک زیاد علم و صنایع دارد و زیاد کار میکند زیاد امتعه بعمل می آورد

و با ممالک خارجه زیاد داد و ستد میکند و در حقیقت لفظ تجارت حالا یعنی
مجمع کل شرایط اعمال آبادی است حرکات و خیالات و جنگ و صلح
دول فرنگستان عموماً راجع بفواید تجارت است

در امور دیوانی بجز امور تجارت کار دیگر نیست

مدار آبادی دنیا بر رونق تجارت است

بدون تجارت زندگی خلق به پستی زندگی حیوانات خواهد بود

دول آسیا از معنی و از قدرت تجارت هیچ اطلاع ندارند

در ایران جمعی براین عقیده هستند که تجارت ما با فرنگستان ما را فقیر و اهل
فرنگستان را غنی میکند

این عقیده دلیل کمال جهالت است

بچه دلیل ؟

بصد دلیل که همه را باید در مدرسه یاد گرفت

در معامله موقتی یک شخص با شخص دیگر ممکن است که یکی منفعت بکند و یکی ضرر ببرد

ببرد

در معاملات عامهٔ یک ملک با ملک دیگر حکماً هر دو منفعت میکنند

اگر ایران هر سال بیست کرور تومان مال بروس ببرد و بیست کرور تومان
از روس بیاورد در این معامله هم روس و هم ایران منفعت خواهند کرد

بچه دلیل ؟

بدلیل اینکه این مطلب را در هزار مدرسهٔ فرنگستان با هزار جلد دلیل اینطور ثابت
کرده اند

در انگلیس ذغال زیاد است در روس گندم زیاد در چین چای زیاد عمل می
آورند در ایران تریاک زیاد روس گندم میدهد ذغال میگیرد ایران تریاک
میدهد چای میگیرد هر چهار دولت از معاوضهٔ این امتعهٔ خود منفعت میبرند
اهل ایران می گویند ما طلای خالص خود را میدهیم از فرنگستان ماهوت و ساعت
و هزار بی مصرف می آوریم این حرف بکلی بی معنی است خود ایران نه
یک مثقال طلا دارد و نه یک مثقال نقره چنانچه خود انگلیس و فرانسه هم نه یک
مثقال طلا دارد و نه یک مثقال نقره

در این سه دولت هر قدر طلا و نقره است لا محاله عوض و معادل امتعه است که از خاک خود بیرون فرستاده اند

تجار ایران برنج میدهند بروس و در عوض آن طلا می گیرند بعد آن طلا را میدهند به انگلیس عوض آن ماهوت می گیرند که در حقیقت ایران برنج داده ماهوت گرفته

دولت انگلیس ماهوت میدهد بایران طلا می گیرد بعد آن طلا را بروس میدهد گندم می گیرد که در حقیقت انگلیس ماهوت داده گندم گرفته

ایران پوست روباه و شاه‌کولی بخارج می فرستد و در عوض آن بلور و ساعت می آورد پس ایران از خارج بلور و ساعت گرفته و در عوض پوست روباه و شاه‌کولی داده

دولت فرانسه بحسب ظاهر هفتاد کرور تومان طلا و نقره به روس جریمه جنگ داده اما در حقیقت آن هفتاد کرور تومان نبود مگر شراب و ماهوت و ابریشم و امتعه مختلفه بمعنی که فرانسه شراب و ابریشم و امتعه خود را بخارج داده در عوض آنها

طلا را گرفت و آن طلا را داد به روس

طلا و نقره ایران از کیمیا نیست

در ایران و انگلیس و فرانسه هر قدر طلا و نقره به بینیم باید بدانیم که در عوض امتعه است که بخارج فرستاده اند

وقتی از ایران یا انگلیس یا فرانسه ده کرور پول بیرون می رود دلیل واضح است که از آن ملک معادل ده کرور تومان متاع بیرون رفته

وقتی از ایران پول بیرون میرود نباید مضطرب شد چون آن پول بجز متاع ایران چیز دیگر نیست

بعضی مطالب را زیاد تکرار میکنیم زیرا که این مطالب مبانی صد مطلب دیگر است

طلا و نقره را باید بعینه آهن و گندم و شاه‌کولی و متاع تجارتی حساب نمائیم

طلا و نقره و الماس و زغال در عالم تجارت هیچ فرق ندارند این فقره یکی از آن حقیقت هاست رفع این اشتباهات ممکن نیست مگر در مدارس

مقصود از این کتابچه محض حفظ فقط مذاکرات اصلیه است

توضیح و اثبات اصول راجع بمدارس است

طلا و نقرهٔ مسکوک علاوه بر اینکه مثل آهن و چینی و قند و متاع تجارتی هستند این اختصاص را هم دارند که عموم این طوایف این دو فلز را آلت تشخیص قیمت و اسباب معاوضه سایر امتعه قرار داده اند فرضاً یک خروار گندم فروخته ام یعنی در عوض یک خروار گندم پنج تومان طلا گرفته ام و بعد آن پنج تومان طلا را داده چای و قند خریده ام بعبارة اخری یک مقدار گندم داده و یک مقدار قند و چای گرفته ام پنج تومان طلا آلت تعیین این دو مقدار است دول آسیا از معنی و از مقصود اصلی پول هیچ اطلاع و علم صحیح ندارند خیال میکنند معنی پول در طلا و نقره است دول فرنگستان از روی تحقیقات طولانی و از روی علوم صحیح مشخص کرده اند که معنی اصلی پول نه در طلا است و نه در نقره

شاهد صحت این علم اثبات این است که در عوض پول طلا و نقره صد مقابل بیشتر پول کاغذی ساخته اند

عقلای آسیا معنی پول کاغذی را نمی توانند بفهمند بعلت اینکه معنی و مقصود اصلی پول را درست نفهمیده اند

پول کاغذ را دول فرنگستان چه طور می سازند همان طور که تعلیمش را مدت بیست سال در مدارس بزرگ بوزرای فرنگستان یاد میدهند

پول میزان تعیین قیمت و آلت داد و ستد است هر جا داد و ستد زیاد است این آلت ناچار زیاد میشود هر جا که داد و ستد کم است پول هم از لزوم داد و ستد است لهذا کم میشود

در ایران کم است بعلت اینکه در ایران داد و ستد کم است در فرانسه پول زیاد است بعلت اینکه در فرانسه داد و ستد زیاد است

مقدار داد و ستد یک ملک بسته بمقدار امتعهٔ آن ملک است

اگر اهل مازندران دو مقابل بیشتر از حالا امتعه بعمل بیاورند داد و ستد مازندران دو مقابل بیشتر و پول آن ولایت دو مقابل زیادتر میشود

اگر اهل مملکت فرنگ کمتر از حالا امتعه بعمل بیاورند داد و ستد فرنگ

کمتر و پول مملکت کمتر از پارچه خواهد بود

اگر بخواهیم پول ایران را زیاد کنیم هیچ راه و هیچ تدبیر نداریم بجز اینکه مال و امتعه ایران را زیاد بکنیم

اگر بخواهیم داد و ستد ایران را زیاد بکنیم هیچ راه و هیچ تدبیر نداریم بجز اینکه امتعهٔ ایران را زیاد بکنیم

بجهة آبادی یک ملک بجز کثرت امتعه آن ملک راه دیگر نیست بجهة احیای بجز تکثیر امتعهٔ آن راه دیگر نیست

یک شرط زیادی امتعه زیادی مشتری است

یک متاع هر قدر بیشتر مشتری داشته باشد آن متاع را بیشتر عمل می آورند قلت فروش یک متاع موجب قلت تولید آن متاع است اگر اهل اصفهان تریاک زیاد عمل بیاورند و در چین نخرند اهل اصفهان ضرر خواهند کرد و تریاک را کمتر عمل خواهند آورد

اگر در کردستان زیاد گندم عمل می آورند زارعین آنجا بواسطهٔ عدم مشتری گرا

خواهند شد و گندم را کمتر خواهند کاشت

یکی از تکالیف اصلیه دول این است که از برای امتعهٔ ممالک خود مشتری زیاد بکنند

مقصود واحد پلتیک انگلیس این است که چیت و ذغال و ساعت و جمیع محصولات خود را در هر جای دنیا بقدر امکان بیشتر بفروشند

اگر مشتری امتعهٔ انگلیس در دنیا کمتر بشود آبادی و قدرت انگلیس بهمان درجه در دنیا کمتر خواهد شد

اینکه دول فرنگستان در آسیا و در افریقا و در جمیع اکناف دنیا با اینهمه حرص و شدت ممالک تازه پیدا و ضبط میکنند

هیچ مقصود و فایده در نظر ندارند مگر اینکه بواسطهٔ استقرار امنیت و دایر کردن بنادر و ترقی آبادی آن ممالک از برای امتعهٔ خود مشتری تازه پیدا نمایند

دول آسیا این مقصود دول فرنگستان را هیچ نمیتوانند بفهمند بعلت اینکه هنوز نفهمیده اند که تکثیر مشتری از برای تکثیر امتعه چه قدر واجب و تکثیر امتعه از برای

شوکت و قدرت یک دول چه اساس معظم است

ملل فرنگستان از برای ازدیاد مشتری امتعهٔ خود یک راه بزرگ پیدا کرده اند راه ازدیاد مشتری یک متاع ارزانی آن متاع است

اگر تجار انگلیس قند زیاد به اسلامبول بفروشند و تجار فرانسه همان جنس قند را ارزانتر به اسلامبول برسانند مشتری قند فرانسه از مشتری قند انگلیس بهمان نسبت زیادتر خواهد شد

اگر اهل تجار ایران قلمکاری اصفهان را گرانتر از پارچه به اسلامبول وارد نمایند مشتری قلمکاری اصفهان در اسلامبول کمتر خواهد شد

اگر ساعت انگلیس یک صد تومان قیمت داشته باشد در ایران فقط هزار نفر مشتری خواهد داشت ولیکن اگر همان جنس ساعت را یک ده تومان بنمایند مشتری آن ساعت در دولت علیه بیشتر خواهد شد

دولی که طالب تکثیر امتعه و در فکر آبادی خود هستند باید با هر نوع تدبیر اسبابی فراهم بیاورند که امتعهٔ خود را ارزانتر از دیگران ببازار دنیا برسانند

هر گاه که امتعه ملک دیگر را ارزانتر بعمل بیاورد و آن ملک را در عالم تجارت ضعیف و مغلوب خواهد ساخت

ملک روس سالی چندین کرور قران گندم بانگلیس میفرستاد یک قسمت دنیا همان گندم را از یک جای دنیا ارزانتر از روس بخاک انگلیس رسانید گندم روس را باین جهة بکلی ده کرور به ملک روس ضرر وارد آورد حالا روس با سعی و تدبیر میخواهد که گندم خود را از گندم یک جای دنیا ارزانتر بانگلیس برساند

اگر دولت عثمانی تنباکو و تریاک را بهتر و ارزانتر از ایران بعمل بیاورد تجارت ایران تمام و خلق ایران بمراتب فقیرتر خواهد شد

جنگ حقیقی دول در این عهد بر سر ارزانی امتعه است

هر عملی که از روی غفلت و نادانی مانع ارزانی امتعه خواهد بود دشمن آبادی و مخرب ممالک محروسه است

نمیتوان تصور کرد که حکما و علما و عقلای فرنگستان بجهة ارزانی امتعهٔ خود چه اختراعات بزرگ و چه چرخهای عجیب و چه صنایع عالی و چه قوانین پیدا کرده اند

در میان آن اصول بزرگ که دول فرنگستان برای امتعهٔ خود مقرر و مجری داشته‌اند از همه بزرگتر از همه مفیدتر از همه ساده‌تر از همه عجیب‌تر و از همه جامع‌تر ساختن راه است

اهل آسیا تا امروز نفهمیده‌اند که ساختن راه بجهت آبادی و قدرت یک دولت متضمن چه کرامتهای عظیم است

بعضی از سلاطین سابق آسیا گاهی یک راه مختصری ساخته‌اند اما نه از روی علم و نه از برای تجارت منتها خیال ایشان یا تشویق زیارت یا تسهیل لشکرکشی یا آنکه محض تفنن شخصی بوده است هرگز بعقل ایشان نرسیده که در ساختن راه چه خزاین چه آسایش چه سلامت و چه قدرتها است

هزاران خرابهٔ ایران مغلوبیت ایران بدبختی بزرگ ایران صد نوع مصایب ایران از نداشتن راه است

ایران می‌تواند صد مرتبه از امروز زیادتر امتعه بعمل بیاورد

چرا بعمل نمی‌آورد ؟

بعلت اینکه نمی‌خرند زیرا که گران است

چرا گران است ؟

بعلت اینکه حمل و نقل امتعه بواسطهٔ نبودن راه بمراتب زیادتر از خرج عمل آوردن خود امتعه است

دول فرنگستان آنچه پول و قدرت و اعتبار و کفایت دارند همه را صرف ساختن راه میکنند زیرا که هیچ راهی نیست که منافع آن بالمآل صد مقابل زیادتر از مخارج ساختن آن نباشد

ایران می‌تواند سالی اقلاً سی کرور تومان فقط پشم بخارج بفروشد چون راه ندارد این سی کرور متاع هم از برای ایران هم از برای دنیا مفقود می‌ماند

بدون راه نعمات طبیعت همه بیفایده است بدون راه زراعت مفلوک بدون راه معادن معدوم بدون راه جنگلها ضایع بدون راه تجارت فانی بدون راه خلق یک ملک همه گدا و زندگی همه سخت‌ترین مبارزات است

خلق ایران میتوانند گندم نصف خلق انگلیس را بدهند و در عوض آن ماهوت و

و قند و ظروف بگیرند ولیکن چون راه ندارند نمی‌توانند گندم خود را بقیمت مناسب بانگلیس برسانند باین جهت گندم ایران بی‌مشتری می‌ماند و چون بی‌مشتری می‌ماند اهل ایران کمتر گندم می‌کارند و چون گندم کمتر می‌کارند گاهی نصف خلق ایران از قحطی بمیرند و گاهی نصف خلق ایران از قحطی می‌میرند و گاهی نصف ایران از بیکاری و گرسنگی بممالک خارجه پناه می‌برند

اگر در ایران راه میداشتیم فقط گمرک پنبهٔ ما از کل مالیات امروز ایران بیشتر میشود

نمیتوان بحساب آورد که در همین سی سال گذشته ایران بواسطهٔ نداشتن راه چه ضررهای جسیم را متحمل بوده و از چه دریای منافع خود را محروم ساخته است

اگر اولیای دولت آسیا معانی این مسئلهٔ راه را بقدر اطفال مدارس فرنگستان ملتفت شده و فهمیده بودند حالا صد بار راههای آسیا ساخته شده بود اینکه اولیای دولت علیه از فواید راه و از معانی ارزانی امتعه غافل بوده چندان جای تعجب نیست تعجب در اینست که برعکس علوم دنیا از برای گرانی امتعه و سد رواج تجارت

ایران

ایران تدبیرهای مخصوص پیدا کرده‌اند

از برای گرانی امتعه و مزید اشکالات تجارت نمیتوان عجیب‌تر از گمرکهای داخله و راهدارهای ما اسباب اختراع کرد گمرکهای داخله از جمله زشتیهای ما در جهالت دولت است

در کل دنیا یک دولت است که گمرکهای داخله دارد و آن یک دولت ایران است

گمرکهای داخلهٔ ما علاوه بر ضررهای کلی که بتجارت ما وارد آورده اولیای دولت ایران را در خارج رسوا کرده زیرا که وزرا و علمای خارجه طرز ادارهٔ ما و درجهٔ فهم و کفایت اولیای ما را همیشه از روی این خبط محض می‌سنجند علاوه بر اقسام اشکالات که برای تجارت ایران فراهم است اولیای دولت علیه بجهت خرابی تجارت ایران یک کفایت دیگر بکار برده‌اند که آنهم واقعاً مایهٔ ننگ عقل حیران شده وزن و عیار و تقسیم پول ایران را بقدری که در قوهٔ یک دولت باشد روز بروز پرمغشوش ساخته‌اند

مسکوکات هر دولت از اسباب واجبهٔ تجارت آن دولت است وزن و
عیار و تقسیمات پول باید از روی یک قرار علی‌حده و ثابت باشد)
تغییر عیار پول از جملهٔ خرابیهای دول آسیا بوده است)
اگر یک مثقال طلا را دو قسمت یا سه قسمت کنی آن یک مثقال مطلقاً
زیاد و کم نخواهد شد)
اگر یک قاپ را بیست نخود یا ده نخود یا شش نخود قرار بدهیم پول ما یک دینار
زیادتر نخواهد شد اگر یک شبانه روز را عوض بیست و چهار ساعت سی و چهل یا
شصت هفتاد ساعت قرار بدهیم وقت ما هم و عمر ما یک ثانیه زیادتر نخواهد شد
ضررها و خرابیها که در این چند سال در اغتشاش مسکوکات ایران به تجارت
و آبادی ایران رسیده سخت‌تر و وسیع‌تر از آن مصایبی است که از غارتهای
ترکمن رو داده است هزاران وارد آمدها)
از تکرار این مطلب نباید خسته شد زیرا که حرکات و ترقی و آبادی و ثروت
فرنگستان همه مبنی بر این مطلب ساده است)

در

در تمام فرنگستان بجهت رونق کارخانه و رفاه عامه بجز تولید امتعه و کثرت امتعه و فروش
امتعه مطلب و هیچ تدبیری نیست)
جمیع مدرسها و علوم و جمیع اختراعات و قوانین و لشکر و پلیس و عدالت راجع
به تولید امتعه و بازبسته امتعه است)
فواید و معانی تکثیر امتعه در زینت در نظر اهل ایران کم و بیش معلوم باشد)
و لیکن در تحت این مطلب یک مطلب دیگری هست که بیان و ادراک آن از
برای ما اهل آسیا چندان آسان نخواهد بود)
متاع را باید زیاد کرد خیلی خوب)
تا قبل از ازدیاد متاع اول باید دانست که متاع را چه طور می‌توان بعمل آورد
از برای تولید متاع یعنی از برای اینکه متاع بوجود بیاید سه شرط لازم است)
اول اسباب طبیعی)
اگر آفتاب و خاک و آب نباشد گندم بعمل نمی‌آید)
دوم تا آدم کار نکند گندم بعمل نیاید و نه ساعت ساخته شود)

سیم سرمایه کسیکه گندم میکارد یا ساعت می‌سازد تا منزل و خوراک و لباس
و آلت کار و مقداری علم و یک مبلغ پول نداشته باشد گندم و ساعت بعمل نخواهد آمد
منزل و خوراک و لباس و آلتهای کار و علم و پول جزو سرمایه هستند)
شرط اول) در ایران بهتر از اغلب ممالک موجود است یعنی که آفتاب
و خاک ایران بیشتر و بهتر از اغلب ممالک دیگر محصولات بعمل می‌آورند)
شرط دوم هم در ایران چنین است که مردم ایران بسیار کارکن و بسیار
هشیار هستند)
شرط سیم یعنی آلتهای کار و لوازم زندگانی و پول و علم در ایران زیاده
از حد کم است اگر خاک و آب و آفتاب باشد و آدمهای کارکن باشند
متاع بعمل نخواهد آمد)
اگر خاک و آب و آفتاب باشد و آدمهای کارکن باشد و سرمایه نباشد متاع
بعمل نخواهد آمد)
تا این قوای طبیعت و آدمهای کارکن با سرمایه یعنی لوازم کار جمع نشوند حصول

امتعه

امتعه ممکن نخواهد شد)
از برای آباد کردن فلان صحرا و کار کردن در فلان معدن و ساختن فلان
کارخانه و کسب فلان منافع در معامله مقدار سرمایه لازم است)
اهل ایران از برای اجرای این کارها تمام استعداد و مساعدت را دارند
اما چون سرمایه ندارند جمیع نعمات طبیعی و قوای بشری ایران بی‌فایده و بی
مصرف است)
سرمایه اولین آلت اجتهاد بشری است)
عموم طوایف فرنگستان سرمایه‌های زیاد جمع کرده‌اند)
زیادی سرمایه موجب زیادی کار و اسباب تکثیر امتعه است)
اهل انگلیس و فرانسه از سایر ملل بیشتر کار می‌کنند و بیشتر متاع بعمل می‌آورند
زیرا که بیشتر سرمایه دارند)
خلق کردستان و ترکستان خیلی کم متاع بعمل می‌آورند زیرا که خیلی کم سرمایه دارند
فلان کاسب انگلیس بدون اینکه یک امتیاز عقل داشته باشد بقوهٔ سرمایه خود بالفعل

منفعت می برد)

فلان تاجر ایرانی با همه عقل و زرنگی خود و با همه صنعت سرمایه خود پریشان و
خراب میشود)

سایر طوایف کوهها را سوراخ و دریاها را با هم متصل میکنند زیراکه
سرمایه زیاد دارند)

ما خلق ایران قوت و دولت و این همه خزاین طبیعی خود را خراب
گذاشته ایم زیراکه سرمایه نداریم)

در این عهد ما درد بزرگ ایران قلت و فقدان سرمایه است)

از برای اینکه خلق ایران بتوانند زیاد کار بکنند و زیاد امتعه بعمل بیاورند
باید سرمایه ایران را زیاد کرد)

خیابان عمده کرات ملکی خواهد شد)

راه آهن کرات را علمای فرنگستان مرتب در دنیا باز کرده اند)

از جمله غرایب غفلت ما یکی همین فقره است که در انگریت صد سال است که با فرنگستان

مراوده داریم در میان ما یک نفر آدم پیدا نشد که پنج دقیقه حواس خود را
صرف تحقیق علوم مالیه فرنگستان نماید و حال آنکه اغلب ترقیات و عجایب
این عهد نتیجه و حاصل علوم فرنگستان است)

نمی‌توان بیان نمود که ملل فرنگستان در خصوص تولید و اجتماع و تقسیم و تکثیر سرمایه
چه فنون عمیق و چه دستگاههای بزرگ اختراع کرده اند)

نمی‌توان تصور کرد که ما خلق ایران از فواید این فنون چه قدر بیخبر و محروم مانده ایم

یک شخص در استرآباد ملک دارد اما سرمایه زراعت ندارد اگر پانصد تومان داشته
باشد از ملک خود میتواند هزار تومان منفعت بردارد شخص دیگر در طهران پانصد
تومان پول نقد دارد اگر شخص استرآبادی دست رس میداشت پانصد تومان
خود را بلا مضایقه باو قرض میداد آنوقت هم ملک استرآبادی هم پانصد
تومان ولیکن این دو شخص همدیگر را ابدا نمی‌شناسند ملک استرآبادی بی مصرف
و پانصد تومان طهرانی بی منفعت میماند)

در ایران املاک و کرورهای زیاد است که بطریق مشروع از همه جهت

و از دو طرف بی فایده و بی مصرف مانده اند)

حکمای فرنگستان از برای اینکه مردم بتوانند همدیگر را بشناسند و بتوانند سرمایه
خود را بدون قطع بهمدیگر برسانند واسطه و ترتیبات پیدا کرده اند)

یک سرتیپ روسی در تفلیس هزار تومان پول دارد اما نمیداند چه بکند یک
تاجر انگلیس در ینگی دنیا هزار تومان پول نقد لازم دارد سرتیپ روسی هزار تومان
خود را با کمال اطمینان میدهد به بانک و بانک بشروط لازمه میدهد بتاجر انگلیس
بطوریکه هم پول سرتیپ روسی و هم تجارت تاجر انگلیس بی آنکه معروف همدیگر باشند
اسباب منفعت همدیگر میشود)

ترتیبات مالیه فرنگستان طوری است که در هیچ ده فرنگستان از پول احدی یک دینار
بیکار و بی منفعت نمی‌ماند)

پولهای مردم قطره قطره در جاهای مخصوص جمع میشود و بی آنکه صاحبان پول زحمتی
داشته باشند پول ایشان در اکناف عالم مصدر کار و ثمر و منافع میشود)

در ممالک فرنگستان هر کس برای کار مفیدی هر قدر پول لازم داشته باشد می‌تواند

بآسانی بدست بیاورد)

در ایران گذشته از اینکه پول بغایت کم است شرایط معاملات و گردش
پول بقدری مغشوش و منقبض است که آن جزئی پول هم که هست صد یک فایده خود را
نمی‌بخشد یکی از آن اصول بزرگ که علوم مالیه این عهد پیدا و مقرر کرده این است
که سرمایه مملکت هر قدر زودتر و بیشتر حرکت بکنند منافع آن زیادتر خواهد بود)

ملل فرنگستان در اجرای این قانون واقعا معجزه کرده اند)

تجار فرنگستان با یک سرمایه چندین معامله را در چندین نقطه روی زمین یک دفعه
باهم انجام میدهند)

موافق احکام مالیه فرنگستان پول یک مملکت مثل خون بدن انسان باید بسرعت
تمام بجمیع اطراف در گردش باشد)

خون ایران خیلی کم و بی حرکت و منجمد است)

تاجر فرنگی بتوسط دستگاههای مخصوص که در جمیع نقاط تجارت دنیا برپا کرده اند
پول خود را از لندن با سرعت برق و از کلکته به پطرزبورغ و از چین به ینگی دنیا

بسرعت برق چرخانده بیچاره تجار ایرانی بهزار ترس و لرز با چهار شاهی معطل بوده تا سرمایهٔ مختصر او ربحی بدهد با صد سختی و از آنجا برگردد با ایران

با این قلت سرمایه و با این عسرت معاملات در ایران تکثیر امتعه و آبادی ملک محال است

چه باید کرد ؟

باید سرمایه ایران را زیاد و مدار سرمایه را سهل کرد

سرمایهٔ ایران را چه طور می توان زیاد کرد ؟

به ترتیب بانکها تداول سرمایه را می توان سهل نمود

ترتیب بانکها

وقتی در ایران آهن کم میشود از خارج می آورند وقتی در ایران چای کم میشود از خارج می آورند وقتی هم سرمایهٔ یک ملک کم می‌شود می توان از خارج آورد آوردن سرمایه از خارج مقدمات و تدابیر و علم مخصوص لازم دارد چون این علم در ممالک آسیا الحق تا بحال نه وجود داشته و نه اسم دول آسیا بهیچوجه خبر

خبر قبول ندارند که سرمایه را هم از خارج میتوان آورد

یکی از اسباب آوردن سرمایه از خارج بانک است

بانک از اختراعات بزرگ دنیا است

در کل ایران نه در میان فرنگیها و نه در میان ارامنه تنها یک نفر آدم نیست که از معنی و دقایق خدمات بانک درستی واقف باشد

بانک را اقسام مختلف است

زراعت و تجارت بانکهای مختلف لازم دارند

جمیع دول علاوه بر بانکهای متفرقه هرکدام یک بانک مخصوص دارند در انگلستان البته صد هزار بانک هست

هیچ دولت منظم بدون امداد بانک نمی تواند یک روز منتظم باشد

قطعاً بعضی اشخاص تعجب خواهند کرد که از این مطالب بی ربط و بی پا آیا مقصود چیست

قدرت و عظمت دول فرنگستان چنانکه اهل آسیا تصور میکنند نه در ترتیب

افواج و نه در استحکام کشتیهای آنها است قدرت عساکر معموری خزاین و آبادی ملک و رفاه خلق و شوکت دول فرنگستان همه مبنی بر این اصول علمیه است که به بختانه هنوز تا مدتها بنظر وزرای آسیا بی ربط و بی‌خواهد آمد آن حرفهای دیگر در آن مطالب دیگر که سالها است اولیای عموم دول آسیا را مشغول دارد اگرچه خیلی شایسته و عالی بنظر می آید اما مسلماً بجز معطلی جاهلانه و خرابی مطلق نتیجه نخواهد داشت

در سرشته‌های اجرائی و در نوشته‌های تصورات واهی از برای ما قدر ذره امید نیست

بلا تجارت منحصر همان راهی است که علم دنیا از برای ما صاف و آشکار ساخته است

خواه نکشی خواه بکشی خواه تلخ خواه شیرین این حقیقت را باید در تقریر خود مسلم و محکم بسازیم که از برای رفع فقر ایران از برای آبادی ایران از برای احیای ایران راه چاره منحصر باین است که خلق ایران زیاد کنند زیاد سرمایه و علم

داشته باشد زیاد امتعه بعمل بیاورند زیاد امتعه بخارج بفروشند و زیاد پول و مال جمع نمایند

تکثیر تولید متاع سه شرط لازم دارد

قوای طبیعت سرمایه کار

در این سه شرط از همه مهم تر و از همه دقیق تر مسئله نظم کار است

همه طوایف روی زمین شش ساعت هستیم و بقدر هم کار میکنند خلق اصفهان خیلی زیادتر از اهل کوهستان و خلق انگلیس مراتب بیشتر از خلق اصفهان کار می کنند

علوم فرنگستان چنانکه از برای تکثیر امتعه و تکثیر سرمایه قواعد مخصوص وضع نموده‌اند از برای تکثیر کار نیز بطوری که بر بعضی حکمتها و بعض اصول پیدا کرده اند که عظمت نتایج آن واقعاً خارج از ادراک عقل است

دول فرنگستان الآن در دست خود یک تدبیری دارند که بحکم آن توانند در کارهای ایران را از امروز پنج مرتبه زیاد بحکم آن تدبیر مقدس که در دست فرنگیها است امروز خلق هندوستان پنج مرتبه بیشتر از عهد سلاطین سابق خود کار می کنند

آن تدبیر بزرگ آن تدبیر مقدس که دول فرنگستان همه جا بکار می‌برند و بعین
قدرت آن ده هندوستان را مبدل بکلکته و بیابانهای ترکستان را معمور
و آبادان و آبادی می‌سازند آنرا باصطلاح خارجه امنیت جانی و مالی میگویند

امنیت جانی و مالی بنا و شرط و روح کار انسانی است

درجه کار هرکس بسته بآن اطمینان است که در حفظ نتیجه کار خود دارد

خلق ایران در ممالک خارجه خیلی خوب و خیلی زیاد کار میکنند اما در ایران
خیلی بد و خیلی کم کار می‌کنند

بعلت اینکه در خارج یقین دارند که مالشان را هیچکس نمیتواند ببرد

قانون طبیعت بشری چه در هند چه در ینگی دنیا خواه در تحت قدرت کفر
خواه در زیر سایه اسلام همه جا این است که شخص همین که از حاصل کار خود
مطمئن شد خوب کار میکند همین که از حفظ مال خود تردید پیدا نمود باختیار
از کار عاجز و خسته میشود

بهترین محرک و مشوق کار آحاد ناس این است که از مال و جان خود مطمئن باشند

چرا گبرهای کاشان همه کدخدا هستند و گبرهای بیابانی کورها دارند ؟

بعلت اینکه در کاشان امنیت جانی و مالی نیست و در بیابانها هست

چرا قیمت املاک فرنگستان صد مقابل بیشتر از قیمت املاک ایران است ؟

بجهة اینکه در فرنگستان امنیت املاک هست و در ایران نیست

امنیت جانی و مالی بهیچوجه بسته برأفت و عدالت شخص پادشاه نیست

ذات مقدس شاهنشاه ایران از جمیع سلاطین روی زمین رئوف‌تر و عادل‌تر
است ولیکن عدالت شخص یک پادشاه هیچ دخلی بعدالت اداره ندارد

رأفت ذاتی پادشاه از طهران بقبا و کدام مظلوم بلوچستان خواهد رسید

امنیت مالی و جانی بسته بعدالت اداره است

عدالت اداره در هرجا عدالتخانه لازم دارد

عدالتخانه قوانین لازم دارد

بدون عدالتخانها و بدون قوانین و ضمانتهای صریح حصول امنیت مالی
و جانی محال است

امنیت مالی و جانی اولین اساس آبادی دنیا است

در ممالکی که امنیت جانی و مالی نیست مردم سرمایه خود را بقدر امکان پنهان و معاملات
خود را بقدر قوه محدود می‌سازند

در ممالکی که امنیت جانی و مالی نیست مردم بهزار زحمت و تعقیب و بزور هرنوع رشوه و
تدبیر خود را به پایه حال خارجه می‌اندازند

در ممالکی که امنیت جانی و مالی نیست معادن و جنگلها و رودخانها و عموم قوای طبیعت
بیکار و جمیع هنرهای انسانی مفقود و تمام دولت غرق دریای فقر می‌مانند

چرا خلق فرنگ چهل مرتبه از خلق کردستان بیشتر کار میکنند ؟

بجهة اینکه از حفظ حاصل کار خود مطمئن هستند

چرا رعیت فرنگستان بدون هیچ اشکال با کمال رضایت ده مقابل بیشتر از رعیت
افغان بدولت خود مالیات میدهند ؟

بجهة اینکه با امنیت مالی و جانی از کار خود پنجاه مرتبه بیشتر از رعیت افغان ربح میبرند

چرا سلاطین فرنگستان همه جا ضمانت جانی و مالی تبعه خود را اولین تکلیف سلطنت

خود قلمداد کرده‌اند ؟

بجهة اینکه از روی صد علم و تجربه کاملاً معتقد شده‌اند که امروز اولین شرط استحکام سلطنت
و بهترین ضامن بقای سلطنت امنیت جانی و مالی است

چه باید کرد که خزانه و عساکر و قدرت و آسایش و شوکت و سلطنت ایران یک
بصد افزوده شود ؟

باید در ایران امنیت جانی و مالی را مقرر ساخت

استقرار امنیت جانی و مالی بهزار ملاحظه امروز برای دول آسیا الزم و اقدم تکالیف
حقیقی شده است

سبب عمده عداوت و نفرت ملل فرنگستان نسبت بدول آسیا این است
که میگویند دول آسیا یک قسمت ممتاز کره زمین را بواسطه عدم امنیت جانی
و مالی غرق دریای ذلت و ننگ بنی آدم ساخته‌اند

دول فرنگستان بواسطه همین عدم امنیت جانی و مالی ضبط و تصرف کل ممالک
آسیا را حق انسانانه و وظیفه حتمی خود قلمداد کرده‌اند

امروز بد حرف خطر بزرگ خطر اصلی خطر مهلک دول آسیا برای اراده جویی
که میگویند دول آسیا امنیت جانی و مالی ندارد)

خواه بجا خواه بیجا خلاصه امروز هر نقطه آسیا که امنیت جانی و مالی نیست میل
عقیدت که بیرق فرنگستان بر آن نقطه نصب شود)

جوشش و طغیان قدرت فرنگستان خارج از تصور ماست)

از برای اینکه بفهمیم جریان قدرت فرنگستان در اطراف عالم نتیجه چه نتایج خواهد بود
باید این معنی را همیشه در مد نظر داشته باشیم که مقصود واحد ملل فرنگستان این است که
زیاد علم و سرمایه داشته باشند زیاد امتعه نفیسه بیاورند زیاد اسباب تمتع جمع کنند و بقدر
قوه در دنیا خوب تعیش نمایند)

حصول این مقصود موافق علوم فرنگستان میسر نخواهد بود مگر در یک ملکی که آبادی
آن در نهایت ترقی باشد)

ترقی آبادی بحکم علوم این عهد یک شرط عمده لازم دارد که در نظر ما کلاً مجهول
و از برای دول فرنگستان محل مهمات توجه است)

موافق

موافق مذهب علمی فرنگستان آبادی یک ملک ترقی نخواهد کرد مگر اینکه آبادی ممالک
اطراف هم در ترقی باشد)

تحقیق این عقیده علمی فرنگستان برای ما خیلی واجب است زیرا که اغلب بلکه عموم
حرکات دول فرنگستان در ممالک خارجه مبنی بر این عقیده است)

آبادی یک ملک چنانکه مکرر در این کتابچه تصریح شده بسته بکثرت امتعه و موقوف
بوسعت داد و ستد است)

بدیهی است که داد و ستد یک ملک با ممالک دیگر در صورتی است که ممالک
دیگر هم آباد باشند)

اگر افغانستان هیچ چیز بخارج نفروشد از خارج هم هیچ چیز نخواهد خرید)

اگر ایران سالی دویست کرور تومان متاع بخارج بفروشد دویست کرور تومان
هم از خارج متاع خواهد خرید)

یک ملک هر قدر بیشتر آباد بشود از ملک دیگر زیاد متاع خواهد خرید بهمین واسطه
اسباب مزید آبادی آن ملک دیگر خواهد بود)

اگر اهل دولت بلژیک ده مقابل از پارسال بیشتر متاع عجمی بیاورند از فرانسه
هم ده مقابل بیشتر متاع خواهد خرید و بهمین نسبت اسباب مزید آبادی فرانسه خواهد
شد)

اگر یک آینده تجارت انگلیس ده درجه تنزل کند از بلژیک ده درجه کمتر چیز
خواهد خرید و بهمان اندازه اسباب تنزل بلژیک خواهد بود)

موافق علوم فرنگستان از برای آبادی طهران لازم است خراسان آباد باشد)

اگر استرآباد آباد نباشد بوشهر آباد نخواهد شد)

اگر حاجی ترخان خراب بشود ممکن نیست که بر بازار تبریز ضرر کلی وارد نسازد
اگر اطراف انگلیس همه فقیر باشند انگلیس هم حکماً فقیر خواهد بود)

از برای اینکه انگلیس بتواند بخارج زیاد چیز بفروشد باید خارجی هم آنقدر آباد باشد
که بتواند از انگلیس زیاد چیز بخرد)

اگر بر این مطلب اساس تأکیدات مکرره نشود نتیجه که در آخر منظور است مفهوم
نخواهد شد)

دولتی

موافق مذهب علمی فرنگستان حکمت الهی عموم ممالک دنیا را شریک آبادی و
خرابی همدیگر ساخته است)

موافق حساب فرنگستان اگر آسیا آباد بشود بر آبادی فرنگستان یک درجه خواهد افزود
بحکم این مذهب علمی ملل فرنگستان از صمیم قلب و با نهایت طالب و مقوی آبادی
کل ممالک دنیا هستند ملل فرنگستان در ممالک خارجه هیچ کار و مقصودی ندارند
مگر ازدیاد آبادی و توسیع تجارت دنیا جمیع محاربات و لشکرکشی و تسخیرات فرنگستان
در آسیا اصلاً و عموماً مبنی بر این مقصود کلی است دوستی و عداوت ملل فرنگستان
کلاً راجع باین طرح واحد است)

هر دولتی که ممالک خود را آباد و تجارت دنیا را زیاد بکند ملل فرنگستان بحکم عشق
خود محبوب دولت و حامی آن دولت هستند و بر خلاف آن هر دولتی که مانع
آبادی ملک و مخل رونق تجارت دنیا بشود دول فرنگستان آن دولت را دشمن
بنی نوع انسان و دفع آن را از برای ترقی دنیا واجب می شمارند)

ملل فرنگستان عموماً از روی صدق منکر تسخیرات خارجه هستند میگویند تسخیرات خارجه

اصلاً هیچ فایده ندارد مگر اینکه منصب و شأن و همت وزرا و سرکرده های ما باندازهٔ
چیزیکه ما از خلق فرنگستان در خارج لازم داریم این است که ممالک خارجه آباد
و تجارت آنها باز باشد)

این حرف خیلی طول تفصیل و از برای ما خیلی تازه گی دارد)

تحقیق این حرف خارج از دایرهٔ این کتابچه خواهد بود)

دول فرنگستان همیشه با کمال میل حاضر هستند که هر قدر لازم باشد از پول خود و پول دیگر
و کشتی بدهند بروند در اطراف دنیا برای تجارت عامه میدانهای تازه باز نمایند
دول فرنگستان در ضمن این اوقات گاهی مجبور میشوند که بعضی از ممالک خارجه را
تصرف نمایند مقصود اصلی ایشان از این تصرفات بهیچوجه مملکت گیری نیست مقصود اصلی
ایشان فقط کسب منافع تجارت است از برای اثبات این معنی این نکته کافی است
که تجارت اغلب آن ممالک خارجه که دول فرنگستان در تصرف خود دارند
کفایت خرج محافظت و ادارهٔ آن ممالک را نمیکند)

از تجارت هند یک دینار عاید خزانهٔ انگلیس نمیشود)

منافع

منافع دول فرنگستان از تصرفات خارجه فقط از ممر تجارت است این معنی را
عقلای آسیا قبول نخواهند کرد زیرا که از معنی و قدرت تجارت بیخبر هستند)

این فقرهٔ صحیح را نباید هرگز فراموش کرد که موافق علوم فرنگستان از برای تمول
یک مملکت بجز کثرت امتعه و کثرت تجارت در دنیا هیچ بنائی دیگر نیست
در نظر اهل فرنگستان تمام کرهٔ زمین یک کارخانه است که همه مردم باید بآزادی
و با اطمینان در آنجا کار بکنند و هر قدر کار بکنند منافع کارخانه از برای همه
کس بیشتر خواهد بود)

اگر یک دولت یک قسمت عمدهٔ این کارخانهٔ دنیا را تصرف نماید و در آن
قسمت نه خود آن دولت کار بکند و نه بگذارد که دیگران بیایند کار بکنند
معلوم است وجود آن دولت در کارخانهٔ عامه اسباب اغتشاش و ضرر کلی
خواهد بود شکی نیست که یک روزی بحکم مصلحت عامه واجب خواهد آمد که
اهل کارخانه وجود چنین دستگاه مضر را از میان خود برطرف نمایند)

اولیای دول آسیا از این اقتضای ترقی دنیا و از این عدالت تقدیر الهی

باید بیش از اینها غافل نباشند)

باز هم باید تکرار کرد مدار زندگی دنیای امروز بر تجارت دنیا است)

اصول و شرایط تجارت بآن انحصار و ساده گی نیست که ما خلق آسیا در دایرهٔ
صرفهٔ حالیهٔ خود تصور میکنیم)

علوم و تجربه طولانی فرنگستان بجهة توسیع عوالم تجارت چنان دستگاههای معظم و
چنان ترتیبات عجیب ایجاد کرده که عقل بشری در تحقیق هر یک از آنها سالها
متحیر میماند)

یکی از آن ترتیبات حیرت انگیز در جهة اجرای تجارت در فرنگستان وضع
آن دستگاه مخصوص است که شرکت و بعبارت فرنگی کمپانی میگویند)

راههای آهن و کارخانجات معتبر و تجارتهای عمده و بناهای عمومی و جمیع کارهای
بزرگ بتوسط کمپانیها ساخته میشود)

آنچه کمپانی هلکننده یعنی آنچه شرکت و باتفاق محکم ساخته میشود ممکن نیست که آحاد
ناس توانند به تنهائی صورت بدهند)

بدون کمپانیهای معتبر آبادی ایران هرگز میسر نخواهد بود اولیای ایران هر قدر
که باید باید رسم کمپانیها را در ایران متداول و بقدر قوه تقویت و زیاد نمایند
با اوضاع حالیهٔ ایران ترتیب کمپانی در ایران محال است ترتیب کمپانیها
قوانین و دیوانخانه های مخصوص لازم دارد و هیچیک از قوانین و دیوانخانه ها
در ایران نیست)

در هر ملکی که حقوق و تکالیف کمپانیها مبنی بر قوانین صحیح نباشد هیچکس بکمپانیهای
آن ملک اعتماد نخواهد کرد)

دول و ملل فرنگستان بهزار تجربه و از روی حکمتهای عمیق قوانین حدوث و ادارهٔ
کمپانیها را بقدری که در قوهٔ عقل بشری باشد مضبوط و محکم کرده اند)

اگر چهل نفر آدم معقول در ایران جمع شوند و یک کمپانی بسازند خلق فرنگستان
یک دینار بآن کمپانی اعتبار نخواهد کرد اما اگر پنج نفر آدم نامعقول در لندن
یک کمپانی بسازند ممکن است که خلق فرنگستان بمحض آنکه آن پنج نفر را بشناسند
پنجاه کرور بآنها پول بدهند)

بچه سبب ؟)

بسبب اینکه در فرنگستان همه کس میداند که در باب اداره کمپانیها قوانین
و ترتیب دیوانخانه‌های انگلیس طوری دقیق و محکم است که مباشرین یک کمپانی
نمیتوانند پول مردم را بدون خرجهای کلی تفریط نمایند ولیکن چون در ایران هنوز
بجهت اداره کمپانیها هیچ قانون وضع نشده و بواسطه عدم قانون وجود هیچ
دیوانخانه ممکن نیست لهذا از برای درستی از حرکات یک کمپانی ایران هیچ
اطمینان حتی هیچ احتمال درستی از برای خلق حاصل نمیشود)

با قوانین و رسوم حالیه ایران ترتیب کمپانیهای بومی از جمله خیالات واهی
است)

از برای آبادی ایران کمپانی را باید از خارج آورد)

عقلای ایران هنوز بر این عقیده هستند که کمپانیهای خارجه ایران را خواهند
گرفت در این عقیده یک دنیا جهالت است)

آن علوم و آن اطلاعاتی که عقلای خارجه بهزار زحمت بعد از چند سال اجتهاد

تحصیل میکنند ما هر قدر عاقل باشیم نباید توقع نمائیم که در یک مجلس واحد همه را احاطه
و درک نمائیم)

اگر یک شیخ عرب بگوید تلغراف از نفس اجنه و موجب تعفن دنیا است هیچ
کس این عقیده او را نمیتواند بیک صفحه تحریر تغییر بدهد)

در فرنگستان البته دو کرور کمپانی است حق یک کمپانی خارجه با حق یک رعیت
خارجه هیچ فرق ندارد فواید حضور یک کمپانی خارجه از برای ایران ممکن است
که کرورها باشد ولیکن منتهای ضرر و زحمت یک کمپانی خارجه برای ما فقط همان
قدر خواهد بود که امروز از حضور هر رعیت خارجه برای ما حاصل است)

اگر از یک کمپانی خارجی می ترسیم باید از یک رعیت خارجی هم بترسیم و اگر از
رعیت خارجی بترسیم میبایستی حدود خود را بر رعایای خارجی بسته بداریم ولکن
بفرض محال در چنان تدبیر خود موفق میشدیم ایران چه میشد همانکه خیوه و بخارا
و تمام ترکستان از این خیالات تدبیر شده اند)

اجتناب از مراوده خارجه هرگز هیچ ملک را از استیلای خارجه معاف نداشته ا

بعضی از عقلای ما که میخواهند عاقل‌تر باشند میگویند کمپانیهای خارجه اگر هم ایران
را نگیرند آنچه در ایران باقی مانده آنرا هم خواهند برد)

خبط دائمی اهل ایران در تحقیق تجارت خارجه این است که خیال میکنند خلق
یک ملک می توانند در عالم تجارت یک ملک دیگر را غارت کنند)

در عالم تجارت اخذ یک مال بدون عطای یک مال مساوی ممکن نیست اگر
کل کمپانیهای فرنگستان جمع شوند در عالم تجارت هرگز نخواهند توانست
از اموال موجوده اسلامبول یا چین یا بندر بوشهر یک دینار بلاعوض بیرون برند
ممکن نیست که یک تجار یا یک کمپانی خارجه در اسلامبول یا در طهران بعضی
از تجار ما را به تقلب فریب بدهند)

تقلب و دزدی وضع کتاب ندارد)

تقلب یک کمپانی مثل دزدی قطاع الطریق جزای سخت دارد)

بدگمانی و احتراز ما از کمپانیهای خارجه تا امروز دلیل بیعلمی ما و سد آبادی
ایران بود)

باید از روی اطمینان علم این مسئله را از میان برداشت)

باید اولیای دولت علیه ساختن راههای آهن و عمل معادن و ترتیب بانکها و جمیع
کارها و بناهای عمومی را بلا تردید محول بکمپانیها نمایند)

کمپانیها بدون امتیازات دولتی بایران نخواهند آمد)

دولت ایران باید هر قدر می تواند بکمپانیهای خارجه امتیاز بدهد)

امتیاز از برای ایران این است که کمپانیها از منافع آنها خیلی مطمئن باشند)

اگر یک کمپانی از مداخل آنها خود امید کلی نداشته باشد پول نقد خود را در مخاطرات
بعیده بخطر نمی اندازد)

اولیای دولت علیه عطای امتیاز را در حق کمپانیهای خارجه یک مرحمت فوق العاده
تصور میکنند)

حقیقت مطلب برعکس است دولت ایران باید خیلی خوشوقت و متشکر باشد
که کمپانیهای خارجه بجلب منافع بسیار مبهم سرمایه‌های مادی و علمی خود را میاورند
صرف آبادی ایران مینمایند)

نمی توان بیان کرد که در خصوص کمپانیها و امتیازات خارجه اولیای دولت چه نوع اشتباهات داشته اند

هر کس از دولت ایران یک امتیاز میخواهد دولت میگوید بمن چه میدهی این قول دولت اغلب اوقات صد قسم منفعت را از ایران در آن واحد محو میکند

اگر دولت در ضمن یک امتیاز یک چیزی دستی بدهد جایز است که معادل آنچه دستی بدهد یک منفعتی از صاحب امتیاز بخواهد

اما اگر دولت از خزانه یا از منافع موجود خود چیزی نمیدهد از صاحب امتیاز توقع منفعت فوری منتهای بی اطلاعی است

کمپانیهای خارجه هر آبادی بکنند بر فرض باشند خراب کل آن آبادی عاید دولت میشود

اگر یک کمپانی بگوید کویر حوض سلطان را آباد خواهم کرد دولت نباید از آن کمپانی چیزی بخواهد آبادی آن کویر منفعت دولت خواهد بود

اگر کسی بگوید من از فلان کوه که تا امروز هیچ منفعت برداشته نشده سالی دو کرور منفعت حاصل خواهم کرد دولت باید با نهایت خوشوقتی نهایت تقویت را از او

بکند

بکند نه اینکه بگوید چون تو بمن چیزی نمیدهی نمیگذارم از آن کوه منفعت برداری

از کثرت منافع کمپانیها نباید حسد برد

اگر کمپانیها منافع نکنند بایران نخواهند آمد و اگر نیایند ایران آباد نخواهد شد

کمپانیها در ایران هر قدر منافع ببرند و منافع خود را هر قدر بخارج ببرند باز مسلم است که یک قسمت کلی آن از برای خلق و دولت میماند

جمیع ممالک خارجه پر شده از کمپانیهای خارجه

اگر یک کمپانی روس برود بخاک انگلیس و از رودخانهها و صحراهای آنجا سالی هشت کرور منفعت بردارند خلق انگلیس بجان و دل ممنون آن کمپانی خواهند بود زیرا که بدون ضرر انگلیس در خاک انگلیس هشت کرور مال تولید کرده و در هر صورت اسباب مزید ثروت انگلیس شده است

اگر یک کمپانی خارجه بیاید در ایران یک معدن الماس پیدا کند و ده کرور منفعت بردارد جای شکایت نخواهد بود زیرا که بدون ضرر ایران ده کرور بر آبادی ایران افزوده خواهد شد

دولت عثمانی نمیخواهد و نباید بکمپانیهای خارجه امتیاز بدهد ولکن ایران و چین و ژاپن باید بهر نوع امتیاز و بهر نوع تقویت بهر تدبیر و بهر التماس عدد کمپانیهای خارجه را در ممالک خود زیاد نمایند

فرق عثمانی با آن ممالک دیگر چیست؟

این مسئله را باید از تاریخ دنیا پرسید

دولت ایران به بعضی کمپانیها و از برای بعضی کارها علاوه بر امتیاز و علاوه بر ضمانت باید دستی مبالغی پول بدهد

بجهت ساختن راه آهن از شوشتر تا طهران اگر دولت ایران علاوه بر هر نوع امتیاز ده کرور هم پول نقد بدهد باز کرورها منفعت دولت خواهد بود

امتیاز را باید باشخاص معتبر داد

یکی از بدبختیهای ایران این شده که باشخاص بی سروپا امتیاز دادهایم

آن کارها که هشت سال پیش از این توسط کمپانیها در ایران ممکن بود این اوقات بواسطه بی اعتباری امتیازات محال شده است

اگر

اگر روچیلد لندن از دولت ایران مجاناً یک امتیازی بخواهد و از برای همان امتیاز شخص دیگر پنجاه هزار تومان پیشکش بدهد باید به پنجاه هزار تومان آن شخص را رد کرد و آن امتیاز را مفت داد بروچیلد سهل است اگر لازم باشد به مبلغی دستی بروچیلدها که امتیاز را قبول نمایند

(حرف غریب)

در فرنگستان هیچ حرفی نیست که بنظر ما غریب نیاید

عموم مطالب این کتابچه از رسم قدیم آسیا خیلی بعید و از نقطهٔ معتقدات حالیهٔ ما است

جمیع مطالب این کتابچه را البته خیلی خوب میتوان روشن و ثابت کرد اما مجلس وزرا را نمی توان محل تدریس این مطالب قرار داد آن امنای دولت که باین مطالب بحث و تردید دارند می بایستی کرده باشند

مقصود از این کتابچه فقط ثبت بعضی از اصولست که هر یک از این اصول حکمای اروپا چند جلد کتاب نوشته اند و هر یک از این اصول سالها و قرنها تجربه کرده اند کل علوم

و تدابیر فرنگستان راجع بتکمیل این اصول و از برای تقویت اجرای این صحبت است
در بیان مسائل این کتابچه هر فصلی که باعث روح مطلب و تکلیف دولت ایران
شب و روز روشن و مشخص است

خلاصه احکام قطعی که از اصول این کتابچه جاری میشود از این قرار است

بقای دولت ایران بعد از این ممکن نخواهد بود مگر آنکه ثروت ایران افزوده شود

خلق ایران زیاد کار بکنند و زیاد امتعه بعمل بیاورند و زیاد پول داشته باشند

از برای اینکه خلق ایران می توانند شب و روز با میل کار بکنند

باید از جان و مال خود مطمئن باشند

باید سرمایه های وطنی داشته باشند

از برای استقرار امنیت جانی و مالی باید در جمیع ولایات ایران دیوانخانه های منظم برقرار کرد

باید از برای کل ایران یک پلیس قوی ترتیب داد

باید از برای کل حقوق اداره قوانین صریح وضع نمود

باید در مرکز دولت مجلس قوانین بر اساس بسیار معتبر برپا کرد

باید بواسطه تعهدات قوی و علامات صریحی بعموم خلق ایران قبله آسمانی داد
که بعد از این امنیت جانی و مالی اولین اساس دولت و اولین قانون اداره ایران
خواهد بود

از برای اینکه خلق ایران بتوانند شب و روز با میل زیاد امتعه بعمل بیاورند

باید زراعت و تجارت را بواسطه قوانین و ترتیبات صحیح بقدر قوه [illegible]
تقویت کرد

باید راه آهن ساخت باید معادن و جنگلها را بکار انداخت

باید امتعه ایران را ارزان کرد

باید گمرکها و راهدارهای داخله را بکلی موقوف کرد

باید مسکوکات ایران را بدون کم و زیاد مثل مسکوکات فرانسه و فرنگیس و ایطالیا
و اوستریا قرار داد

از برای اینکه خلق ایران بتوانند سرمایه های ایران را زیاد بکنند و از سرمایه های

خارجه شب و روز بهره ها بردارند

باید در ایران بانکها ترتیب داد

باید موافق علوم و رسم خارجه از خارج سرمایه بایران آورد

باید کمپانیهای خارجه را بایران دعوت و طلب کرد

باید کمپانیهای خارجه امتیازهای معتبر داد

باید از مداخل کمپانیها حصه برد

از برای اینکه سرمایه علمی ایران زیاد بشود

باید مدرسه عالیه ایران را موافق اصول تازه منظم ساخت

باید بقدر قوه مدارس تازه ساخت

باید اولاد رعیت نفر نفر بفرنگستان فرستاد [illegible]

از برای اینکه آبادی ایران در ارتباط کارهای مردم شریک آبادی دنیا بشود

باید جمیع بنادر و رودخانه ها را بکلی باز کرد

باید از تجارت خارجه نترسید

باید بعموم خلق دنیا اذن داد و تشویق کرد که هر قدر بتوانند از خارج مال بیاورند و
از ایران مال ببرند

این چند اصول که سرچشمه آبادی دنیا هستند جمیع ترقیات و قدرتهای فرنگستان
کلاً و جزءاً همه از نتایج این اصول هستند خارج از این اصول بعد از این در دنیا
هیچ سلطنت و هیچ دولتی نخواهد بود اگر اولیای دولت علیه حقیقتاً طالب حفظ دولت
ایران هستند باید جمیع این اصول را [illegible] و بلا تردید و بلا تأخیر قبول
نمایند

باید جمیع قوانین و احکام و پولتیک و حرکات و اقوال خود را نقطه بنقطه بطبق
اصول قرار بدهند

باید هر عمل و هر قرار و هر عادت که خلاف این اصول است بدون سؤال و جواب
و بلا درنگ از ممالک خود رفع نمایند

از تکرارات این کتابچه نباید تعجب کرد

معانی و قدرت این اصول را باید بسهولت شمرد

اگر در این سی سال گذشته موافق این اصول حرکت کرده بودیم حالا دولت ایران مالک آسیا میشد

وقت اجرای این اصول هنوز در ایران نگذشته است

سرنوشت ایران هنوز در دست اولیای ایران است

اگر امروز شروع باجرای این اصول نمایند بعد از سه سال در ایران نه یک قنات کهنه خواهد ماند نه یک ده خراب و نه یک آدم بیکار

همه آنچه سرمایه دارند بدون ترس بمیدان خواهند آورد آنچه استعداد و هنر دارند بدون مانع بکار خواهند انداخت

زراعت و تجارت ما صد مرتبه وسیع

آسایش زندگی ما صد مقابل بهتر

پول و قدرت و استقلال و شوکت دولت صد درجه زیادتر خواهد شد

اینکه وزرای سابق ایران این اصول را مجری نداشته اند سبب آن واضح است بیچاره‌های بدبخت از معنا و قدرت این اصول بکلی بیخبر بودند

بلی

نمیتوان عدم اقدام آنها را حمل بر اغراض شخصی کرد زیرا که اگر فی الجمله علم میداشتند در آن مسند عالی خود زودتر و بهتر از هر کس ملتفت میشدند که علاوه بر صلاح دولت و علاوه بر خیر مخلوق خدا منافع شخصی خود ایشان و مصلحت اولاد ایشان و نجات دنیا و آخرت ایشان بسته باجرای این اصول است

عدم علم رؤسای سابق ایران از برای ایشان تقصیری نمیشود بر کلی ایشان این عیب که نتوانسته‌اند تصور کنند که خارج از عقل ناقص ایشان از برای حسن اداره دول چه نوع علم و فنون مخصوص در دنیا پیدا شده

جمیع وزرا و امرای بی علم که در دنیا مصدر کارهای بزرگ شده‌اند علم نداشته ولی معتقد علم بوده‌اند

محمد علی پاشای مصری سواد نداشت اما باستعداد علوم خارجه با معظم دول فرنگستان برابری کرد

در همین اوقات وزرای (ژاپون) بی آنکه علم داشته باشند بواسطه حسن اعتقاد خود نسبت بعلم خارجه مملکت خود را موجب حیرت دنیا ساختند

عقلای حالیه ما یا بجهه پوشانیدن بی علمی خود یا واقعا از روی صدق این بحث را بمیان خواهند آورد و خواهند گفت ما از محسنات معنوی این اصول حرف نداریم اگر ما در ورود قانها و تجارت ایران را آنطوریکه میخواهند برای عموم دول باز نمائیم و اگر کمپانیهای خارجه را موافق آرزوی فرنگیها از هر طرف بایران دعوت نمائیم آنوقت دول خارجه راه رخنه ایران را بزودی پیدا خواهند کرد و آنوقت گرفتن ایران از برای آنها خیلی سهل خواهد شد

این حرف بحکم عقلای آسیا خیلی صحیح است ولیکن اگر مطلب را از روی علم این عهد درست بشکافیم خواهیم دید که این تصور عقلای ما نقطه مقابل وضع حالیه دنیا است

قدرت دول فرنگستان نسبت بآسیا چنان قاهر و اسباب دستیابی ایشان بحدی زیاد است که از برای گرفتن ولایت ما نه بتدبیرات تازه لزوم دارند و نه محتاج بتهیه مقدمه هستند

آن روزیکه دولت انگلیس خواست مصر را بگیرد مصر گرفته شد

والان

و آن دقیقه که فرانسه بخواهد پای تخت چین را مسخر کند پای تخت چین مسخر خواهد شد

حالا فلان خان ترکمن یا فلان شیخ کرد بجهه پیشرفت خود باید راه و رخنه بلد قبل از وقت زیاد بیابد اما از برای قدرت روس و انگلیس چه حاجت آنست که در سرحدات ما منتظر تدارک و محتاج طلب باشند

بیست و پنج سال قبل از این یکی از وزرای بزرگ ایران میگفت راه گیلان را نباید ساخت که مبادا لشکر روس از آن راه داخل ایران شوند

عقلای ما مدتها تدبیرها کردند که روسها در آشوراده بیمارخانه نسازند سالها اهتمام نمودند که در بندر جز از چند تخته پاره یک اسکله ساخته نشود این تدابیر طفلانه کدام اقدامات پلتیک روس را توانست یکدقیقه بتاخیر بیندازد هنوز بعضی از وزرای ما بر این عقیده هستند که اگر تردد کشتیهای خارجه را در رودخانه کارون منع نمایند عربستان ما از شر خارجی محفوظ خواهد ماند

ما باید چه قدر در حقیقت اوضاع دنیا بیخبر باشیم که این نوع تدابیر را داشته

تسخیرات فرنگستان برانیم

اگر دولت یکی دنیا با دولت هولند بخواهد شوشتر را آتش زنند از برای کشتیهای جنگ آنها چه فرقی خواهد کرد که تجار آنها در بوشهر انبار تجارتی داشته باشند یا نداشته باشند

وقتی در لندن قلعهای که اسکندریه گرفته بود آنهمه جات مصری و سر و صدا بجوش و خروش ملی آنهمه نظام فرنگی که ام نقطه عزم انگلیس را توانست تغییر بدهد

با وجود این هنوز وزرای ما خیال میدانند که لشکر انگلیس محمره را بگیرد و ربطه این حرکت در انجمنات قونسول و تجارت دارد

هنوز جمعی براین عقیده هستند که اگر دهنه مرداب انزلی را انجمن پر کنند دولت روس برای تسخیر گیلان معطل خواهد ماند

ننگ باد که ما خلق ایران در این عصر هنوز گرفتار این نوع عقاید باشیم

دولت ایران از قصد دول خارجه البته هیچ مهای احتیاط و دقت داشته باشد

خطر استیلای خارجه صد مرتبه بیشتر و نزدیکتر از آنست که معتقدین تصور میکنند

ولیکن ما نباید از ترقی دنیا اینقدر غافل باشیم که در مقابل استیلای فرنگستان امید بقای خود را بر کهنه رسوم جهالت آسیا قرار بدهیم

از برای اینکه در مقابل مملکت گیری فرنگستان می توانیم تدبیر نمائیم باید اول بدرستی بفهمیم که مقصود مملکت گیری آنها چیست

مقصود اصلی دول فرنگستان چنانکه در هر صفحه این کتابچه مبرهن میشود در هر کار و هر مقام فقط کسب منافع آبادی است پولتیک و حرکات دول فرنگستان اگرچه در اصل و در معنی راجع باین یک مقصود است ولیکن جنگ و صلح ایشان بحسب ظاهر مبنی بر دو نوع ملاحظات است

یا ملاحظات پولتیک

یا ملاحظات تجارت

انگلیس بنگاله را بجهة منافع تجارتی گرفت اما جنگ آن دولت در افغانستان

بجهة ملاحظات پولتیک بود

روس بحکم ملاحظات پولتیک برود هرات میرود تا لشکر کشی بسمت چین محض منافع تجارتی است

این دو قسم مملکت گیری را نباید با هم شبیه کرد

آن ولایاتی که دول فرنگستان بمقتضای یک پولتیک عمده ای مجبور بضبط می باشند آن ولایت را از چنگ آنها نمیتوان خلاص کرد مگر بزور توپ

روس باقتضای پولتیک عمده خود حکماً بهرات خواهد رفت مگر آنکه بزور توپ او را مانع نمایند

فرانسه مجبوراً بانتظار قلعه متز قیام خواهد کرد مگر اینکه توپ المان او را ابداً معذور نگاه بدارد

آن ولایاتی که خارج از مقتضیات پولتیک هستند و دول فرنگستان بخیال آنها فقط بجهة منافع تجارتی میگیرند آن ولایات را خیلی خوب میتوان با حسن تدبیر از قصد محفوظ داشت

بجهة محافظت این قبیل ممالک دو چیز لازم است یکی اینکه انتظام و آبادی آن ممالک روز بروز در ترقی باشد دوم اینکه تمام دول خارجه در آن ممالک تجارت کم و بیش داشته باشند اگر آذربایجان چنانکه باید آباد بشود علاوه بر اینکه آنچه قره داغ هم خواهد داشت رابطه آنجا و تجارت خود با آبادی عموم ممالک قفقاز یک برده خواهد افزود و در آن صورت دولت روس هیچ امکان مجوریت و فایده نخواهد داشت که آن ولایت را از ایران غصب نماید ولیکن اگر ما آذربایجان را خراب و با اسباب خرابی ممالک قفقاز بداریم دولت روس مجبور خواهد بود که آن مملکت را بهر طوری است از دست ما بیرون بیاورد

اگر دولت ایران آنهمه غفلت کند و مازندران را مثل امروز برای دنیا بی مصرف بگذارد از غیرت دولت خارج خواهد بود که بتواند از تصرف آن ولایت صرف نظر نماید

ولیکن اگر دولت ایران این دو ولایت خود را طوری منظم و آباد نگاه بدارد که خلق روس بتوانند سالی صد کرور در آن ممالک تجارت داشته باشند

آنوقت بچندین دلیل میتوان گفت که دولت روس بهمانقدر منافع تجارتیکه
خواهد برد و آب نان خود را برابر مخارج ضبط آنولایات تخلیه انداخت

چون اولیای آسیا هرگز از هزار یک قدرت و منافع تجارت را شناخته اند
بفهمند این حرف را هم هرگز قبول نخواهند کرد که یک دولت قوی قصد خود را
در خصوص ممالک خارجه محض ملاحظات تجارتی تغییر دهد

این هم یکی از آن مسائل است که خیلی خوب میتوان بیان کرد اما در مدرسه
مع العجاله اولیای دولت ایران این فقره را هر طور هست باید خوب بفهمند
که از برای دول آسیا بهترین اسلحه جهة دفع استیلای خارجه این است که قدر
فوائد تجارت خود را بعموم ممالک خارجه وسعت بدهند

دولت انگلیس با اینکه مدتها است مصر را در قبضهٔ تصرف خود دارد هر روز
مجبوراً اعلام میکند و اطمینان میدهد که آن ملک را عنقریب تخلیه خواهد کرد

(چرا)

بجهة اینکه اغلب دول فرنگستان بواسطهٔ کثرت مصالح تجارتی خود در مصر

مدعی انگلیس هستند

دولت فرانسه در این باب خیلی خوب میتوانست بنادر و پای تخت چین
را بدون مرارت بگیرد اینکه نگرفت سبب هیچوجه از حسن کفایت وزرای چین
نبود چون همه دول در آن بنادر تجارت کلی دارند نمیخواستند جنگ تا بتجارت
شان خلل وارد بیاورد در مقابل همین حرف کشتیهای جنگی فرانسه ریو احی چین
دو سال معطل ماند

اولیای دولت علیه ایران این نکته را مخصوصاً باید در نظر داشته باشند که بر
سواحل چین در این دفعه حمله فرانسه فقط بر آن سمت چین بوده که عقلای چین باید
ورود خارجها و تجارتش را بدول خارجه مسدود داشته بودند

آن ممالک آسیا که با خارجه تجارت زیاد ندارند در دنیا (تنها) در هر وقت
محل طعمهٔ یکی از دول خارجه خواهند بود

امروز هر دولت فرنگ که بخواهد بندر بوشهر و محمره را در دو ساعت آتش خواهد زد
بعلت اینکه هیچیک از دول خارجه هیچوجه حق ارتباط داشته باشند بر حیثیت که اگر در آن

بنادر ده هزار کشتی خارجه بود تعدی خارجه باین شدت سهل نمیشد

با اوضاع حالیهٔ ایران دولت روس میتواند کل بنادر بحر خزر را در یک شب
ضبط کند

اما اگر در آن سواحل چند کمپانی المانیها و انگلیس و فرانسه بود میدان استیلای
خارجه بشما امروز صاف نمیشد

اگر امروز یک دولتی بخواهد بندر ژاپون دستی بزند چون عموم ملل در آن ملک
تجارت دارند عموم دول مجبوراً بحمایت ژاپون برخواهند خواست و لیکن
اگر خدای نخواسته میل استیلای خارجه استقلال دولت ایران را منهدم نماید
چون این حادثه برای تجارت فرنگستان هیچ ضرری نخواهد داشت و بلکه امید
تجارت آنجا دنیا را زیادتر خواهد ساخت ملل فرنگستان برای حفظ استقلال
ما یک انگشتی هم حرکت نخواهند داد

چه قرار حالت خواهد بود هرگاه با اوضاع حالیهٔ ایران بجهة حفظ آن اوضاع
از پولتیک فرنگستان بقدر سر موئی توقع حمایت داشته باشیم

در این عهد پولتیک و اقدامات ملل فرنگستان بر حسب طبع هر چه بخ درنظیم عموماً
بر روابط و منافع تجارت دنیا است در عهود سابق جنگ و صلح دول بسته بملاحظات
دیگر بود بسبب اتفاق می افتاد که سلاطین و وزراء و حتی زنهای آنها بواسطه میل ذاتی
یا خواهش بر دول خارجه اسباب جنگ و صلح میشدند

در این عهد دوستی و عداوت دول بهیچوجه نه در اختیار سلاطین و نه در دست وزراء
است ارتباط دول عموماً بسته بارتباط تجارتی آن است

دولی که باهم زیاد تجارت دارند باهم زیاد دوست هستند

انگلیس و فرانسه باهم بیشتر از همه دول دوستی و بستگی دارند زیرا که باهم بیشتر
از همه دول ارتباط تجارتی دارند

دوستی آلمانیها نسبت بایران هیچ است زیرا که آلمانیها با ایران هیچ بستگی و کار تجارتی
ندارند

عهدنامه و سفارت و تهنیت ها با اولیای دول خارجه بدون ارتباط تجارتی بجز
یک صورت ادب دولتی هیچ معنی ندارد

در میان دول هم عهدی و همدوستی حقیقی به اراده طالقی در منافع کار تابع ملاحظات پولتیک هر قدر هم قوی باشند بدون اساس کار تا اضعف الات حیفی و بی اثر می باشند

اگر هم فرضاً سلاطین و وزرای فرنگستان ملاحظات پولتیک و از روی سعی و عزم شخصی بخواهند از ایران حمایت نمایند علم فرنگستان مثل در هیچ صورت نخواهند گذاشت که یک دینار یا یک سرباز از آن صرف حفظ ایران شود زیرا که در کل فرنگستان هیچ حکمت هیچ کارخانه هیچ کمپانی هیچ تاجر هیچ تجارتی نیست که از حفظ اوضاع حالیه ایران یک ذره فایده در نظر داشته باشد

جمیع وزرای دول بزرگ علی‌الخصوص وزرای انگلیس این مطلب را البته صد بار برای ما شرح گفته اند و میگویند ما باقتضای ملاحظات پولتیک خیلی طالب هستیم که دولت ایران را مستقل و قوی نگاه داریم اما چون خلق ما در ممالک ایران هیچ منفعت و بستگی مادی ندارند ملاحظات پولتیک هر قدر هم در نظر ما مهم باشد ما هرگز نمیتوانیم از خلق فرنگستان بجهة حفظ ایران یک دینار مدد بخواهیم

اگر

اگر ایران آباد بود بسیاری از مصالح و سرمایه‌های فرنگستان مربوط به آبادی ایران شده بود آنوقت باقتضای منافع مادی خلق فرنگستان اتفاق دول فرنگستان از مسئله ایران خیلی سهل بود و در مقابل چنین اتفاق اقوام هر [illegible] مشکل می‌شد

شرح مطالب بیش از این لزومی ندارد

مسئله حالیه ایران را از هر طرف و بهر ملاحظه که بشکافیم خلاصه مطلب و اصل حقیقت این خواهد بود

که اگر ملک ایران را مثل امروز گدا و ضعیف و خراب و از دایره آبادی دنیا خارج و مفقود نگاه بداریم محال عقل است که اولین قهر یکی از دول فرنگستان ما را بکلی محو نکند

و اگر از روی یک ذره شعور طالب بقای دولت ایران هستیم باید بدون یک دقیقه معطلی استقلال دولت ایران را بر آبادی ملک و آبادی ملک را بر اصول علم قرار بدهیم

مقصود از این کتابچه معلوم شد

بر وجوب آبادی و بر لزوم تنظیم ایران هیچ شبهه نیست حرف فقط در این است که چطور تنظیمات و چطور آبادی ایران

نکته مسلم این است که همت و غیرت شاهنشاهی هر قدر قوی و وزرا هر قدر عاقل و دولتخواه باشند بر ترتیب حالیه دولت ما محال است که از چنین دستگاه یک قرار صحیح یا یک عمل بهتر بروز بکند

بر خیال و بهر طرحی که صحیح تر و عالی تر از آن نباشد ممکن نیست که در میان این دستگاه بکلی معیوب و باطل نشود

بازهم تکرار میکنیم بحث به هیچوجه با شخص راجع نیست مقصود فقط بنای نقص ترتیب است

اگر بر یک فوجی که مرکب باشد از هشتصد نفر سرباز پنج نفر سرتیپ و پنجاه نفر سرهنگ و هفتاد نفر سلطان و بیست نفر درویش و چهار نفر مستوفی و سه نفر فقیه را با تکالیف بیربط صاحب منصب قلمداد بدهیم آیا حالت آن فوج چه خواهد بود

ترتیب دولت ما هم مثل ترتیب فوج قوانین مرتب دارد

دستگاه دولت هم بهتر از هر فوج و بهتر از هر کارخانه بهتر از ساعت موافق

قوانین

قوانین علم منتظم باشد

اگر ما در میان یک کارخانه یا در میان یک ساعت بسیار خوب اقسام چرخها و پیچهای مختلف داخل بکنیم و جمیع آلتهای آن را به زور بسیار خوب زیر و رو نماییم حالت آن کارخانه و معنی آن ساعت بدیهی است چه خواهد بود ما خلق آسیا با این همه شهادت پیر زنهای ما خیلی عاقل هستیم از فنون ترتیب دستگاه دولت هرگز هیچ اطلاع نداشتیم

ما خلق آسیا هیچ حق نداریم که در چنان فنون عالیه بسیار خود و سر دخل و تصرف نماییم علما و مهندسین فرنگستان چنانچه کارخانه جات صنایع خود را با علم در چه کمال رسانیده اند کارخانه دولت خود را همان نسبت ترقی داده‌اند حالا می‌توان تصور کرد علم و اجتهاد فرنگستان در ترکیب کارخانه دولت چه سحرها کرده [illegible] ایرانی بچه معجزه درکدام دستگاه و توسط چه نوع اشخاص بظهور خواهد رسید

بدیهی است که همه این کارها کار یک شخص نیست هیچ پادشاه به تنهائی نمیتواند بلکه یک آن کارها بکند

این کارها یک کارخانه لازم دارد)

کارخانهٔ این کارها را دولت میگویند)

جمیع این تنظیمات باید از کارخانهٔ دولت بیرون بیاید)

خود کارخانهٔ دولت از همه دستگاههای ایران بی‌نظم‌تر است چه طور میتواند اسباب این نظمها بشود)

باید اول کارخانهٔ دولت را نظم داد)

چون جمیع نظمهای ایران باید از کارخانهٔ دولت بیرون بیاید لازم است که در وضع و ترتیب این دستگاه اصلا چند دقیقه تأمل نماییم)

از نقایص دستگاه دیوان ما هرچه بگوییم پایان بی‌نهایت خواهد بود)

بر صفات شخصی وزرای ما هیچ حرفی نیست)

عقل و کیاست و کفایت و دولتخواهی هر یک از آنها را مسلم میداریم)

ایراد ما فقط بر نقص ترتیب دستگاه است)

(صدر اعظم) (وزیر دفتر)

(وزیر دربار)	(وزیر بقایا)
(وزیر امور خارجه)	(وزیر موقوفات)
(وزیر لشکر)	(وزیر گمرک)
(وزیر جنگ)	(وزیر تلگرافخانه)
(وزیر نظام)	(وزیر صنایع)
(وزیر بنائی)	(وزیر انطباعات)
(وزیر داخله)	(وزیر حضور در حرم)
(وزیر اعظم)	(وزیر تجارت)
(وزیر معادن)	(وزیر فلاحت)
(وزیر علوم)	(وزیر وظایف)
(وزیر خراسان وزیر همه جا)	(امیر کبیر)
(امیر نظام)	(مستوفی الممالک)
(معیر الممالک)	(مشیر الممالک)

(سپهسالار) (امین السلطان)

(وغیره وغیره) (وغیره وغیره)

این اشخاص همه مردمان معقول و در کار خود ممتاز بوده و هستند ولیکن در دنیا هیچ مهندس دیگری نیست که بفهمد از اختراع اینهمه وزارتهای عجیب و غریب چه مقصود و چه فایده در نظر دارند)

بی آنکه داخل تفاصیل بشویم باید با جرأت و دولتخواهی اعتراف نماییم که چرخ حکمرانی دولت ایران بی اندازه معیوب و بی نهایت مغشوش است وزارتهای شما با همدیگر هیچ ربط ندارند بلکه وضعاً و اصلاً نقیض و مدعی همدیگر هستند)

حد و ترتیب مشاغل هیچ وجه معلوم نیست)

مناصب دولت همه توی درهم)

حقوق و وظایف همه با هم مخلوط)

معاملات دیوان مجمع عوارض دنیا)

گردش چرخ دولت گرفتار منتهای اشکال)

از جمله حکم دولت یک مرتبه مجری نمیشود)

ترتیب اوضاع که بر نقیض اصول معروفهٔ دنیا و اسباب چنان هرزه‌ها و خرابیها است که عقل خارج از ظهور نقایص مجمع و هر دقیقه غرق یک حیرت تازه میشود)

حقیقتاً اولیای ما بر ترکیب عالیهٔ دولت ایران هرچه شد این فقره مسلم است که نه در عهد سابق و نه در این ایام و نه در ایران و نه در هیچ گوشهٔ دنیا هرگز هیچ سلطنت و دولتی نمیتوانند که دستگاه عالیهٔ ما را تواند با آن تشبیه کند)

ما که در کارخانه جات صنایع اینقدرها عقب مانده‌ایم چه طور میتوانیم در کارخانهٔ دولت که جامع اشرف علوم بشری است پیش خود اختراعی نماییم نظم دستگاههای دولت شأن این عربها صرف و نحو و قوانین معین دارد اگر واقعاً طالب نظم دستگاه دولت خود هستیم باید این صرف و نحو دولت را از روی صدق عقیدت قبول و قوانین آن را بدون چون و چرا متابعت نماییم)

نمیتوان منتظر شد که جمیع این قوانین در یک کتابچه مختصر ضبط و بیان بشود و هر که

بخواهد ترتیب یک کارخانهٔ ریسمان ریسی را درست کند و تعلیم نماید باید چندین جلد کتاب بنویسد

تحصیل علوم دولتی واقعاً ده سال زحمت و اجتهاد لازم دارد

اگر ما بخواهیم شرط انتظام دستگاه دولت را براین قرار بدهیم که اولیای دولت علیه همه علوم و قواعد نظم [illegible] دول را تحصیل بکنند و بعد بزرگی ما بکنند پس باید انتظام ایران را محول بقیامت کرد

در حالت حاضر چیزی که از امثال ما میتوان توقع نمود این که ما از روی عقل و انصاف بخواهیم عوض حس طبیعی باید بر حسب قدرت علوم کسبی اعتراف نمائیم و بخصوص این فقره حسن باید از روی اعتقاد کامل قبول نمائیم که بجهت نظم اجرای ایران هیچ چاره نداریم بجز اینکه رجوع نمائیم بآن علوم مخصوص که در سایر اقالیم نشو و آنقدر قدرت شان داده

در خصوص ترتیب دستگاه دولت بعضی فقرات لازمه را محض یک نمونهٔ ناقص بطور مختصر در اینجا یادداشت می‌نمائیم

بدیهی است که دستگاه دولت باید لامحاله مبنی بر قوانین باشد وضع قوانین کار هر کس نیست

تأسیس قوانین باید در یک مجلس عالی بشرایط مخصوص و بر طبق اصول صحیحه باشد

عموم کارگذاران دولت باید بلا استثنا محکوم قانون باشند باید خارج از قانون قدمی بر ندارند

وزارت خانه‌های دولت باید بحکم قانون معین و محدود و مقرر باشند

باید کل وزرا در مأموریت خود مسئول باشند

یعنی نیک و بد اعمال آنها بر عهدهٔ خودشان باشد

وزرای حالیه ایران مسئول نیستند

در تحت ادارهٔ آنها هر خبط و خطائی که ظهور میکند میگویند کار مأموریت کار پادشاه است

این شیوه یکی غلط کلی اسباب خرابی دولت است

هر وزیری که یکی از اعمال متعلقه وزارت خود را نمی‌پسندد باید فی الفور استعفا نماید

اگر استعفا نکند پس آن عمل را تصدیق کرده پس نیک و بد آن عمل بر عهدهٔ او است

از یک وزیر می‌پرسیم چرا حقوق دولت را به خارجی تسلیم کردی میگوید من [illegible] پادشاه داد

این حرف خیلی نامربوط و خیانت محض است

هیچ پادشاه نمیتواند شخصاً این نوع امور را تماما رسیدگی نماید پس وزیر باید بر این نوع کارها تماما بر عهدهٔ خود بگیرد و یا استعفا نماید اگر آن وزیری که این نوع کارها را تصدیق نموده استعفا کرده بود یک وزیر دیگر ابداً چنان خبط نمیکرد

یا اگر اسم خبط نمیکرد آن وقت بحث و تقصیر رأی آن وزیر وارد می‌آمد

وزیری که یک عمل را خلاف مصلحت دولت میداند محض حفظ منصب و تحصیل مواجب خود مرتکب آن عمل میشود و خائن پادشاه است

وزیر دولتخواه آنست که از برای مصلحت دولت و خدمت پادشاه از مواجب و مصلحت شخص خود صرف نظر نماید

تا رسم استعفا را در میان وزرا و کارگذاران دولت برقرار نکنیم

در دوایر حکمرانی ما هیچ نظم و هیچ ترقی حاصل نخواهد شد

اگر فلان

اگر فلان حاکم نمیتواند مالیات ولایت را بدرستی وصول نماید باید استعفا نماید

اگر فلان وزیر نمیتواند مواجب اتباع خود را بدرستی برساند باید استعفا بکند

وزرا باید شریک مسئولیت همدیگر باشند

این مسئله تفاصیل زیاد دارد

بدون اجرای این شرط انتظام مجلس وزرا هرگز میسر نخواهد بود

مجلس وزرا بعبارت دیگر مجلس اجرا باید از مجلس قوانین بکلی جدا باشند

هر شغل دولتی باید بحکم قانون مواجب کافی و معین داشته باشند

مواجب را با مستمری نباید مشتبه کرد

مستمری از برای خدمات گذشته یا بملاحظه حقوق اجدادی است

مواجب باید مزد یک خدمتی باشد

شغلها و مناصب بی مصرف را باید بتدریج منسوخ کرد

مواجب عموم نوکرها در ایران کم است

مواجب آنها را نمیتوان زیاد کرد بعلت اینکه پول نداریم

اجرای این اصول پول دول را دقیقه بدقیقه زیاد خواهد کرد و آن وقت
بالتبع مواجب عمال دولت هم زیاد خواهد شد

مواجب عمال باید بدون تکلف برود بخانه‌ها

عاملی که بر وعده مواجبش نرسد باعث اذیت دولت و مجبور بخیانت است
وخیانت نماید مواجب بسته بوصول مالیات باشد

اگر دول فرنگستان بجهت رساندن مواجب عمال منتظر اینطور وصول مالیات
باشند جمیع آن دول در یک سال بحالت دول آسیا خواهند افتاد

یکی از محسنات تدابیر مالیهٔ فرنگستان این است که خواه مالیات زود برسد
خواه دیر مخارج دولت بر سر وعده بدون تکلف داده میشود

این فقره یکی از آن فوائد است که دول فرنگستان از بانک خود حاصل میکنند

کارگزاران دولت همه باید مستغنی و صاحب سواد و دانش باشند

از برای ادارهٔ عهد کریمخان عقل طبیعی کافی بود اما از برای وزارتهای این
عهد علاوه بر عقل زیاد علم زیاد لازم است

بلکه

یک شخص با علم با سواد هر قدر معقول باشد محض این صفت نباید هرگز داخل
مجلس وزرا بشود

معقولیت و صداقت از برای صدارت کافی نیست معقولیت و صداقت
شرط اهل زندگی است

جان نثاری و آقا پرستی بدون علم قابل هیچ اعتنا نیست

قیمت جان نثاری چه در ایران و چه در خارج سالهاست ثابت است زیرا
دولتی علاوه بر آقا پرستی باید صاحب علم هم باشد در این عهد نوکری که علم ندارد از برای پادشاهی
هم ضرر کافی است

فرق اهالی سویس و خوانین افغانستان این است که کارگزاران افغان علم ندارند
و کارگزاران سویس عالمند

به مناصب دولت فقط راه اهل فضل و اصحاب علم باید باز شود

مطلب را میتوان در این اوراق متفرقه بیش از اینها ربط داد

خلاصهٔ مطلب و جان کلام این است که اگر واقعاً در فکر احیای ایران هستیم باید

اول کارخانهٔ دولت را بر طبق این چند اصول سابق‌الذکر بهرچه تمامتر منظم و مهیای
کار بسازیم و بعد بتوسط این چرخ مرکزی همه آن اصول را که سرچشمهٔ آبادی دنیا
میدانیم بدون کم و زیاد در کل ممالک ایران مجری بداریم

این حرفها همه صحیح اما روح کار هنوز مجهول است

کیست در ایران که بتواند این طرح اساس را مجری بدارد

اجرای این طرح البته با وزرای دولت است ولی شروع کار منحصراً بسته باراده
و حکم ذات مقدس اعلیحضرت همایون شاهنشاه ارواحنا فداه است

اینهمه کارهای گوناگون را در کجا و بتوسط چه نوع اشخاص می‌توان شروع کرد

فر شاهنشاه و قضای پناه را بهزار دلیل حکیم کار میدانم و یقین دارم که فقط شروع و
اسباب اجرای این طرح آمدن در ذهن مبارک همایونی در کمال وضوح مشخص و
مقرر است

در این مسئله هیچ احتیاج بعرض خارجی نیست

ولیکن هرگاه در این مسئله اخر هم نفعی در مسئله پیدا کردن اسباب رای عاجزانه بنده را

بخواهند آن وقت عقیدهٔ حضرت را محرمانه مستقیماً بخاکپای همایون شاهنشاه مملکت پناه
عرض خواهم کرد

علی‌العجاله به یک فقره مهم با هزار معذرت والتماس و اتمام قوت صدق تأکیدات
خود را تجدید میکنم

اصول این طرح اساس خواه پسند باشد خواه نباشد امروز شرط ناگزیر بقای ایران
شده‌اند

در عهد شاه عباس اولیای دولت ایران در رد و یا قبول اصول مختار بوده

اما امروز در این باب ما دیگر هیچ اختیاری نداریم

ما امروز بحکم مقدرات الهی ناچار و مجبور هستیم که خلاف دلخواه همه این اصول را بدون
چون و چرا قبول نمائیم

دولت ما استقلال ما زندگی ما بسته باجرای این اصول است

بجهت تأخیر اجرای این اصول هیچ دلیل و هیچ عذری نداریم

جمیع این اصول مطابق دین حنیف اسلام و موجب رفاه عامه و تقویت دین اسلام است

بجهت اجرای این اصول هرگز پیش امروز فرصتی نخواهیم داشت)

بجهت اجرای این اصول هرگز از امروز عالم‌تر و قادرتر و صادق‌تر و مستعدتر پادشاه
دوستی نخواهیم داشت)

بهر ملاحظه و سیاقی برقانون امروز اجرای این اصول اولین تکلیف مردی
و اولین وظیفه دین پرستی و اولین حکم عقل شرع است بدون اجرای این
اصول خلق و دولت ایران از این دریای فقر و از این طوفان مهلک هرگز
خلاصی نخواهند یافت)

بدون اجرای این اصول هیچ [illegible] رفع اداره حالیه ما و از عهده
امانت خود واجب خواهد شمرد)

بدون اجرای این اصول بهر دولتی که پناه بریم در هر اقلیم که بنشینیم بجز خواری
و انهدام قسمت دیگر نخواهیم داشت)

بدون اجرای این اصول مجتهد ما سرباز دیگران شاهزادگان ما غلام دیگران ملک
و خزانه و تمام دولت ما [illegible] دیگران خواهد بود)

اگر هنوز در وجه اولیای دولت ما یک رگ حمیت باقی مانده و اگر هنوز در سر
خود بقدر ذره شعور داریم باید از امروز خواب و زندگی را بر خود حرام نمائیم و از
همین دقیقه بجد تمام با تمام قدرت خود بجان و دل شب و روز در اجرای این اصول
بکوشیم) ....

حرره عبد المذنب العاصی صالح کسمائی عفی عنه

شهر ذیحجه الحرام سنه ۱۳۱۱

ملکان [illegible]